۵۵ - ای متشبّث بذيل اطهر

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۵۵ - ای متشبّث بذيل اطهر

ای متشبّث بذيل اطهر، فرع سدره مبارکه، در جهان و جهانيان بديده بينا نظر نما که تماشاگاه عظيم است. افواج نفوس بينی که در ميدان سود و زيان دوانند و امواج بحر جنون بينی که از کلّ جهات ظاهر و عيان نعره ها بلند و ضوضاء و شورش و غوغاء واصل بسمع هر هوشمند نزاع و جدال بين هر توانگر و مستمند و جنگ بسيف و سنان و تير و کمان بين هر حقير و ارجمند افواج جنود از هر جهت صف حرب آراسته و آلات آتش فشان از هر سمت سمت ترتيب يافته سيوف بغضاء از مسافة بعيده شعشعه لامعه‌اش پديدار و سهام شحناء حدّت و برق ساطعش در شب يلدا خيره بخش چشمها. مقصد اينست که اسباب نزاع و جدال و جنگ و کفاح باتمّ وجوه مهيّا و حاضر. و از جهتی ملاحظه مينمائی که از هر کران آواز ساز و نواز است و نغمه چنگ و چغانه و ارغنون و ترانه و طرب و سرور و فرح و حبور است. و از سمتی نظر کنی که نمايش آلايش و آرايش و زر و زيور اهل آفرينش و زينت و رونق زخارف و حطام و لطافت شئون فانيه خاک و رغام است. و از طرفی مينگری فرياد آه و انين و ناله و حنين است فزع و جزع و شدّت فغانست که واصل بآسمانست و نحيب بکا و ضجيج مبتلا و صريخ بی نوا و عويل غريق بحر بلاست. و از سمتی احتراق فراق و اشتعال نار اشتياق و زبانه آتش اشواق است. و از جهتی بنگری که جوش و خروش ملوک و وزرای بيهوش و دمدمه و معرکه افکار و اذکار سروران مدهوش و شوق و شور و تدبير و تغيير و تدمير و تعمير و تشهير و تشوير رؤسای ممالک و ديار است. خلاصه چون بحقيقت و عاقبت و نتيجه و ثمر جميع معرکه ها پی بری بعين يقين مشاهده کنی سراب بقيع است و شهدش سمّ نقيع. ايّامی نگذرد مگر آنکه جميع اين شئون کَأَنْ لم يکن گردد و فانی و غير موجود. و لکن چون چشم از اين جهان تاريک بپوشی و نظر ببالا و عالم اعلی فکنی همه انوار بينی، باقی و بر قرار بينی، جاويد و پايدار بينی، حقيقت اسرار بينی. پس خوشا جان پاکی که باين آلودگی و آسودگی جهان فانی دل نبسته بلکه بپاکی و آزادگی و بزرگواری جهان باقی تعلّق گرفته.

